



قلم

ماه نامه سیاسی، اجتماعی، تحلیلی
شماره اول - مهرماه ۹۶



سرمقاله



می توانیم ، او را از آزادی تجلی اندیشه خویش و انتخاب خویش، با زور باز نداریم و به نام مقدس ترین اصول، مقدس ترین اصل را، که آزادی رشد انسان از طریق تنوع اندیشه ها و تنوع انتخاب ها و آزادی خلق و آزادی تفکر و تحقیق و انتخاب است ، با روش های پلیسی و فاشیستی پایمال نکنیم . زیرا هنگامی که «دیکتاتوری» غالب است ، احتمال اینکه عدالتی در جریان باشد، باوری فریبنده و خطرناک است و هنگامی که «سرمایه داری» حاکم است ، ایمان به دموکراسی و آزادی انسان یک ساده لوحی است. »

و سخن آخر اینکه به راستی هرکجا نقد و نقادی نباشد به فساد می انجامد و آنجایی که نقادی نیست، میدان تقلید و قتلگاه خلاقیت است.

این رسانه از تمامی دانشجویانی که به آینده ی مملکت اسلامی خود علاقه دارند و نگران آتیه فرزندان ایران هستند دعوت می کنیم تا با ورود به جمع هیئت تحریره ماهنامه "قلم" به نقد و بررسی و بازتاب مشکلات مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پرداخته و وظیفه ی ابتدایی خود را در قبال این مسائل و معضلات ایفا کنیم. و البته باید دانست که زیربنای این نقد پراکنی ها و فعالیت ها آزادی خصوصا آزادی بیان است. در همین رابطه معلم شهید دکتر علی شریعتی می گوید:

«آزادی انسانی را تا آنجا حرمت نهیم که مخالف را و حتی دشمن فکری خویش را به خاطر تقدس آزادی ، تحمل کنیم ، و تنها به خاطر اینکه

مهر فروزان در مهرگان درخشید و پرتو دانش بار دیگر رخ نمود. خرسندیم که امسال با شروع سال تحصیلی شاهد شروع به فعالیت و انتشار ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی "قلم" به عنوان ارگان رسمی تشکل مجمع اسلامی دانشجویان آزاداندیش هستیم. تا به یاری پاک ایزد منان گامی در راستای رشد و تعالی دانشجویان دانشگاه شهرکرد برداشته شود و از سوی دیگر پرده ای پر نقش در جهت مطالبه گری و عدالت خواهی که از مولفه های اصلی جنبش دانشجویی است در معرض نمایش گذاشته شود. اینک زمان آن رسیده است که با همدلی و آزادی خواهی و آزاداندیشی در جهت توسعه ی همه جانبه ی کشور گام برداریم و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکنیم. از

اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور توسعه نیافته از جمله ایران (تولید و اشتغال)

مجتبی شفیعی



است، لذا یک منبع دائمی و تمام ناشدنی برای تأمین ارز به شمار می رود، ثانیاً تولید و صدور محصولات کشاورزی جنبه اشتغال‌زایی بیشتری دارد و توسعه فعالیت‌های مربوط به تولید و صدور این محصولات باعث رشد و شکوفایی بیشتر در اقتصاد ملی می‌گردد، از سوی دیگر توسعه بخش کشاورزی به دلیل ماهیت فعالیت‌ها در این بخش اساساً نیاز کمتری به ارز خارجی دارد، همچنین بخش کشاورزی از راه تولید مواد غذایی مورد نیاز برای مصرف داخلی در حقیقت از دامنه نیاز به ارز خارجی برای واردات مواد غذایی می‌کاهد، بخش کشاورزی از یک سو برخی از نهادهای مورد استفاده خود مانند ماشین‌های کشاورزی، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات را از بخش صنعت تأمین می‌کند و بدین ترتیب برای برخی از تولیدات صنعتی تقاضا ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بسیاری از مواد خام و مواد واسطه‌ای مورد نیاز رشته‌های مختلف صنایع را تأمین می‌کند، براین اساس، توسعه اصولی بخش کشاورزی از طریق ارتباط‌های مذکور به تکمیل زنجیره‌های تولید و رونق فعالیت‌های تولیدی مرتبط با کشاورزی در اقتصاد ملی کمک شایانی خواهد کرد، فعالیت‌های مختلف بخش کشاورزی می‌تواند بر روی محیط‌زیست آثار مثبت بر جای گذارد، به طوری که اگر از مصرف بی‌رویه کودها و سموم شیمیایی اجتناب شود، فعالیت‌های زراعی، جنگلداری و مرتع‌داری می‌توانند نقش بسیار مؤثری در بهبود وضع محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌های ایجادشده در آن ایفا کنند، بنابراین توسعه بخش کشاورزی با تمامی ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های مترتب به آن فرآیندی نیست که در کوتاه مدت و بدون تدوین و اجرای برنامه‌های اصولی و صحیح محقق شود.

بخش کشاورزی جلوگیری می‌کند، به دنبال آن مزاد شدن کارگران بخش کشاورزی که دارای قدرت خرید نمی‌باشند، باعث بوجود آمدن خیل عظیمی از نیروی کار ارزان می‌شود و این خود زمینه لازم را برای ورود سرمایه‌های خارجی به این کشورها و فعالیت آن‌ها در بخش‌هایی که نیازمند کار ارزان است، ایجاد می‌کند که عمده این فعالیت‌ها در بخش‌های صادراتی مواد اولیه موجود می‌باشد، بنابراین منطقی به نظر می‌رسد در چنین کشورهایی برنامه‌های توسعه به نحوی تهیه و تدوین گردد که توسعه بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها در اولویت قرارگیرد و مورد توجه و تأکید بیشتری باشد، قرار گرفتن بخش کشاورزی در محوریت برنامه‌های دراز مدت توسعه کشورمان باید بیش از پیش مورد توجه باشد و به طور کلی از دیدگاه توسعه اقتصادی، نقش کشاورزی به دلیل کمک آن به پیشبرد جریان رشد و توسعه هم نمایان تر خواهد شد و در ادامه می‌توان گفت که بخش کشاورزی در جریان رشد و توسعه اقتصادی چند وظیفه مهم و اساسی بر عهده دارد که از آن جمله می‌توان به تأمین غذا و امنیت غذایی برای جمعیت رو به رشد، تأمین ارز خارجی برای واردکردن کالاهای سرمایه‌ای از راه افزایش صادرات، عرضه مواد خام مورد نیاز صنعت و کمک به توسعه فعالیت‌های تولیدی وابسته اشاره کرد و همچنین توسعه کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی و دامی و شیلات و جنگلداری نیز خواهد داشت که به دنبال آن افزایش تولید اقلام مذکور ضمن ایجاد اشتغال و کمک به رشد اقتصادی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه در کشور جهان سوم مثل ایران کمک شایان خواهد کرد و در ادامه صدور محصولات کشاورزی جهت کسب ارز خارجی گرچه در مقایسه با صدور مواد خام معدنی و زیرزمینی کمی سخت تر است، اما باصرفه‌تر می‌باشد، زیرا اولاً، محصولات کشاورزی جزو منابع تجدید شونده

کشور ایران از جمله کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی است که متأسفانه به منظور ایجاد رشد سریع اقتصادی، به بخش کشاورزی توجه لازم و کافی صورت نگرفته و تا جایی که امکان دارد تصمیم به صنعتی شدن سریع دارند، ضرورت صنعتی شدن بخش‌های اساسی و پایه در این کشورها قابل توجه است، اما این مسئله که صنعت پایه و اساسی نمی‌تواند بدون مبنا و پایه‌ای، ساخته و توسعه یابد، کمتر از سوی این کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد، گفتنی است، در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد پولی با پیشرفت فنی و تکنیکی و بالا رفتن بهره‌وری بخش کشاورزی همراه بوده است، بدین ترتیب هم قسمتی از نیروی کار کشاورزی آزاد شده و به بخش صنعت گسیل شده‌اند و هم اینکه به وجود آمدن مزاد کشاورزی موجب ایجاد زمینه صنعتی شدن در این کشورها شده است، اما این تحول در کشورهای توسعه‌نیافته از جمله ایران انجام نگرفته است، لذا بخش اقتصاد مدرن بدون ارتباط با بخش اقتصاد سنتی وارد کشورها شده است و بدون اینکه ارتباط چندانی با فعالیت آن بخش (بخش سنتی) داشته باشد، به فعالیت خود ادامه می‌دهد، در بخش سنتی که عمده‌تاً بخش کشاورزی است، تراکم جمعیت و دوری از جاده پیشرفت، موجب پایین آمدن بهره‌وری می‌شود و با سیر قهقریایی نیروی کار زیادی از زمین کشاورزی رانده شده و کارگران بخش کشاورزی به صورت بیکاران پنهان در جامعه به چشم می‌آیند که هیچ‌گونه قدرت خریدی ندارند، و در واقع با این شرایط بخش کشاورزی نه می‌تواند اشتغال‌زایی چندانی داشته باشد و علاوه بر آن شغل‌های که توسط بخش کشاورزی هم ایجاد شده کاهش پیدا می‌کند و رقابت محصولات صنعتی وارداتی به تدریج تولیدکنندگان محلی را نیز از میدان به در و از شکل‌گیری صنعت محلی در

اخلاق‌مداری سازمان؛ مولفه‌های مثبت و مؤثر



یک سازمان از افرادی تشکیل شده که در زمینه‌های مختلف و منافع مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. کارمندان، به‌عنوان اعضای تشکیل‌دهنده یک سازمان، موظف هستند نه‌تنها اصول و قوانین سازمان را رعایت کنند بلکه برخی کدهای رفتاری و اخلاقی را رعایت کنند. هر سازمان بنا بر قوانین و مقررات و ویژگی‌های شخصیتی کارکنانش، اخلاق‌مداری ویژه‌ای دارد. برخی سازمان‌ها اخلاق‌مدارتر و برخی کمتر پایبند اخلاق سازمانی هستند.

«برایان هیل» کارشناس امور مدیریت سازمان، در مقاله جدیدش در نشریه نیوزویک، معتقد است: سازمانی که به دنبال ایجاد رابطه وفادارانه بین سازمان و مراجعین است و کارکنان قوی و باتدبیر را درکنار محیط کار مثبت و بدون هنجارشکنی می‌خواهد، باید به بخش اخلاق‌مداری در سازمان توجه کند.

مزایای اخلاق‌گرایی در سازمان‌ها چیست؟

دونالدسون و دیویس در کتاب «اخلاق در کسب‌وکار» مزیت‌های عمده اخلاق‌مداری سازمانی را به چند دسته اصلی تقسیم کرده‌اند:

• بهبود جامعه: در بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌هایی که اخلاق مدار نیستند، از افراد کم‌سن و سال یا کم‌توان، به‌شدت بهره‌کشی می‌شود یا ساعات اداری، بیش از ساعت کاری قانونی است. در نتیجه این رفتار ناعادلانه، موجب می‌شود بی‌اخلاقی در جوامع نهادینه شود.

• پیشرفت متد رهبری: در سازمان‌هایی که اخلاق‌گرایی جزو اصول قوانین سازمانی تعریف نشده، رهبری نیز پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد شد. اخلاق‌گرایی در سازمان‌ها، روابط را صمیمانه‌تر و در

نتیجه پیشبرد اهداف رهبری را تسهیل می‌کند.

• افزایش بهره‌وری: شگفت‌انگیز است که قدرت اخلاق‌گرایی در سازمان حتی در حوزه راندمان کاری افراد منعکس می‌شود. اخلاق‌گرایی باعث می‌شود کارکنان احساس بهتری نسبت به خود و شغل‌شان پیدا کرده و در نتیجه با رغبت بیشتری کار کنند

• رشد کارکنان: زمانی که معیارهای خوب و بد و درست و غلط در سازمان تعریف شده‌اند، ارزیابی از شاخصه‌های پیشرفت کارکنان ساده‌تر میسر می‌شود و در نتیجه زمینه برای رشد پلکانی کارکنان مساعدتر است.

• کاهش جرم و تبعیت از قانون: برنامه‌های استراتژی اخلاقی، مانند عاملی پیشگیرانه در برابر انواع جرائم عمل می‌کنند. درواقع سازمان‌هایی که نظام اخلاقی محکم‌تری دارند، کمتر درگیر پرونده‌های بزهکارانه یا فساد اداری کارکنان می‌شوند.

• برنامه‌های اخلاقی موجی از برنامه‌های مثبت می‌شوند: رعایت برنامه‌های اخلاق‌محور در سازمان، می‌تواند مولد مدیریت کیفیت بهتر، مدیریت استراتژیک قوی‌تر و مدیریت ارتباطات منظم‌تر باشد.

• ترویج تصویر عمومی قوی‌تر: سازمان‌هایی که برنامه اخلاقی منظم دارند از دید عموم مردم و افرادی که از بیرون به سازمان نگاه می‌کنند نیز قوی‌تر، قابل اعتمادتر و پربازده‌تر ارزیابی می‌شوند.

چرا اخلاق‌گرایی در سازمان مهم است؟

فارغ از مزایای متعدد، اخلاق‌گرایی در سازمان، باعث بهبود تصویر بهنجاری می‌شود که هر سازمان سالم باید به آن دست یابد. جواز متعدد بین‌المللی در زمینه اخلاق‌گرایی وجود دارند برای مثال انجمن بین‌المللی کسب‌وکار آمریکا، سالانه از ۱۰۰ شرکت بین‌المللی برتر در زمینه اخلاق‌گرایی تقدیر می‌کند.

این تقدیر نه‌تنها برای سازمان بلکه حتی برای کشورها هم مثبت است و پل‌های ارتباطی بین شرکت‌های جهانی را قوی‌تر می‌کند. همچنین با توجه به اینکه اخلاق‌گرایی از دید سرمایه‌گذاران مختلف، یک امتیاز مثبت تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد می‌تواند یک عامل محرک برای تمایل سرمایه‌گذاران به همکاری با یک سازمان مشخص، باشد. تحقیقات وال استریت ژورنال در طول دو دهه گذشته نشان می‌دهد، سازمان‌های اخلاق‌مدار، در زمینه مشتری‌مداری یا به عبارتی وفاداری به مشتری نیز موفق‌تر و محبوب‌تر بوده‌اند.

راهی برای اندازه‌گیری اخلاق‌مداری در سازمان‌ها وجود دارد؟

اندرو کروین، استاد دانشگاه بازرگانی یورک و نویسنده کتاب «اخلاق و تجارت» معتقد است برای اغلب مصرف‌کننده‌ها و به عبارتی جامعه، میزان اخلاق‌گرایی در سازمان‌ها خصیصه‌ای مهم است. مسئله وقتی پیچیده می‌شود که بدانیم، برخی بی‌اخلاقی‌ها در یک کشور در کشوری دیگر چندان غیراخلاقی ارزیابی نمی‌شود، به عبارت دیگر، نظام ارزش‌گذاری در سازمان‌ها چندان یکدست نیست. در برخی کشورها، فساد اداری، رشوه‌خواری و... چنان زیاد است که وجود این عوامل، چندان نگرانی برانگیز نیست.

اما به‌طورکلی برای تشکیل یک نظام اخلاقی در درجه اول باید استراتژی منظم ارزشی و اخلاقی تدوین کرد، سپس با کمک ابزارهای مختلف (پرسش‌نامه، مصاحبه، بررسی پیشرفت شغلی و...) به اندازه‌گیری میزان اثربخشی این قوانین در سازمان پرداخت، باید در نظر داشته هر سازمان روشی ویژه برای ارزیابی دارد. برای مثال معمول‌ترین شیوه برای ارزیابی در شرکت‌های کوچک و مشتری‌مدار، بررسی میزان رضایت مشتری‌ها با کمک پرسش‌نامه است.

ایل بختیاری در سده پیش



ایل بختیاری از مقتدرترین ایلات جنوب ایران است که نقش بسزایی در تحولات تاریخ ایران ایفا کرده است. در دوره قاجار منطقه بختیاری از جهت سیاسی و اقتصادی توجه کشورهای استعماری، به خصوص انگلیس را به خود جلب کرد. نافرمانی‌ها و شورش‌های خوانین و سرداران بختیاری علیه حکومت مرکزی، حضور مداوم انگلیس در جنوب ایران، امتیاز کشتیرانی در کارون برای شرکت‌های انگلیسی، امتیاز احداث جاده لینچ و کشف نفت در منطقه بختیاری را می‌توان از علل توجه دولت‌های اروپایی به قلمرو بختیاری بر شمرد.

نظر به اهمیت موقعیت سوق الجیشی منطقه بختیاری دولت‌های اروپایی، افسران و مأموران سیاسی خود را با عنوان سیاح، خاورشناس، باستان‌شناس و طبیب به این نواحی اعزام می‌کردند. این افراد پس از انجام مأموریت، مجموعه گزارش‌های خود از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منطقه بختیاری را با عنوان سفرنامه یا عنوان دیگر منتشر می‌کردند. این گزارش‌ها، خالی از غرض ورزی و ثبت وقایع از روزنه نگاه نویسندگان و منافع کشور متبوعشان نبود.

با وجود این، سفرنامه‌ها و شرح‌خاطرات، از جمله منابع مهم مطالعات و بررسی‌های تاریخی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی محسوب می‌شوند.

در بین این سیاحان ۱ لایارد (Layard) و بیشوپ (Bishop) و مکین روز (Macbean) (Ross) گزارش‌های جامعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منطقه بختیاری و فرازوفروید آن در دوره قاجار ارائه کرده‌اند. این سه سیاح، در سه برهه زمانی متفاوت وارد ایل بختیاری شدند و با دقت و ظرافت خاصی، صرف‌نظر از انگیزه و دیدگاه و گرایش اصلی ایشان در پردازش گزارش‌ها، به توصیف جامعه بختیاری و مقایسه مشاهده‌های خود، با گزارش‌های سیاحان پیشین پرداختند.

لایارد در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۴۰م، از منطقه بختیاری دیدن کرد. در این زمان، بخشی از ایل تحت ریاست محمدتقی‌خان از شاخه چهارلنگ بودند و مردم ایل، به واسطه نداشتن مبادلات تجاری و فقدان راه‌های ارتباطی با سایر نقاط کشور و فشار بی‌رویه حکام و مأموران دولتی برای وصول مالیات، در فقر عمومی به سر می‌بردند. بیشوپ در سال ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م، هم‌زمان با ریاست امامقلی‌خان حاجی ایلخانی از شاخه هفت‌لنگ، از ایل بختیاری دیدن کرده است.

در این برهه زمانی، منطقه بختیاری دستخوش اختلافات و درگیری‌های ایلخانی و ایل‌بیگی و دسیسه‌ها و تفرقه‌های درون ایلی بود. با کشته‌شدن حسینقلی‌خان ایلخانی، به دست ظل‌السلطان، تلاش این خان برای افزایش مبادلات تجاری ایل

با دیگر نقاط، به علت نبود درایت و کاردانی در بین جانشینانش مسکوت مانده بود. مکین روز در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م، شرح متفاوتی از موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایل بختیاری ارائه کرده است.

امتیاز کشتیرانی در کارون و جاده لینچ و کشف نفت در منطقه بختیاری، ثروت هنگفتی را در خزانه خوانین ایل انباشت؛ همچنین، حضور آگاهانه یا ناآگاهانه بختیاری‌ها در عرصه سیاست و همراهی با آرمان‌های مردم مشروطه‌خواه، در فتح اصفهان و پس از آن تهران، تأثیر بسزایی در سرنوشت سیاسی ایل گذاشت. به طوری که پس از سقوط استبداد صغیر، سردار-اسعد نخستین وزیر داخلی کشور شد و دیگر خوانین، حکومت عمده شهرها و ولایات جنوبی کشور را در دست گرفتند. این تغییرات بنیادی در وضعیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایل، در گزارش‌های این سیاحان و دیگر سیاحانی که از ایل بختیاری دیدن کرده‌اند، منعکس شده است.

مقام و موقعیت زن در ایل، از جمله نکاتی است که سیاحان در آن اتفاق نظر داشته و آن را ستایش کرده‌اند. در حقیقت زن، این مظهر زایندگی و باروری، همواره نقش بنیادی در ایل بختیاری داشته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.



اهداف سیاسی قیام امام حسین (ع)

* بخشی از اهداف سیاسی این حماسه جاویدان از نظر می گذرانیم:

نفی جدایی دین از اجتماع و سیاست

معاویه و پسرش یزید عملاً تفکر «جدایی دین از سیاست» را رواج می دادند، به عنوان نمونه وقتی که معاویه بر خلافت نشست، بلافاصله به عراق آمد و در سخنرانی خود به مردم اخطار نمود که من با شما سرنماز و روزه نمی جنگیدم، بلکه می خواستم بر شما حکومت کنم و به مقصود خود رسیدم. (۵)

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در مورد این سخن معاویه، می گوید: «معاویه با این سخن اشاره می کرد که سیاست را از دینت جدا خواهد کرد و نسبت به مقررات دینی ضمانتی نخواهد داشت و همه نیروی خود را در زنده نگه داشتن حکومت خود به کار خواهد بست و البته روشن است که چنین حکومتی سلطنت و پادشاهی است نه خلافت و جانشینی پیامبر خدا(ص)». (۶)

امام حسین (ع) با قیام خونین خود نشان داد که مرز سیاست از دینت جدا نیست و در اسلام بین این دو هم گرابی و هماهنگی وجود دارد و هر وقت در رأس حکومت، زمامداران و حاکمانی فاسد قرار گیرند که لیاقت منصب حکومت و کشور داری را ندارند باید بر علیه آن ها شورید و از منصب حکومت عزل کرد.

عدالت خواهی

سالار شهیدان تلاش می کرد تا تبعیض و بی عدالتی را از جامعه مسلمانان ریشه کن کند و عدالت و مساوات را در میان مردم برقرار سازد. از دیدگاه بلند آن حضرت، زمامدار مسلمانان باید در رفتار گفتار و انتخاب کارگزارانش شیوه ای عادلانه پیش گیرد و در جهت گسترش عدل و داد قدم بردارد.

سیدالشهداء(ع) بر این باور تأکید می کرد و می فرمود: «فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب و اللقائم بالقسط الدائن بدین الحق الحابس نفسه علی ذات الله: (۷) به جان خودم سوگند! امام نیست مگر کسی که بر اساس کتاب خدا حکم کند؛ برای عدالت قیام کند؛ متدین به دین حق باشد و جان خود را در راه خدا گرو بگذارد.»

مرام عدالت گستری آن حضرت و یاران باوفایش در همه جا اعلان و مشخص شده بود. حضرت مسلم بن عقیل - سفیر آن امام(ع) - وقتی در دار الاماره کوفه با حاکم ستمگر یزید (عبیدالله بن زیاد) روبرو شد، به این هدف والای قیام اشاره کرد و از ایجاد عدالت سخن گفت.

ابن زیاد وقتی از مسلم بن عقیل پرسید: برای چه به کوفه آمدی و مردم را به انقلاب دعوت می کنی؟ او پاسخ داد: «فانتیناهم لنامر بالعدل و ندعو الی حکم الکتاب: (۸) آمده ایم تا امر به عدالت کرده و به قانون کتاب خدا دعوت کنیم.»

ظلم ستیزی

ستم پذیری آسیب مهمی برای دین داری مردم است که موجب می شود جبّاران و ستمگران بر جامعه حاکم شوند، اما اگر انسان ها با عزت زندگی کنند قطعاً خط سیر جامعه سراز ستم و بی عدالتی در نمی آورد. امام حسین (ع) فرمود: آن چه جبّاران را بر شما مسلط ساخته این است که شما از مرگ گریزان هستید و به این زندگی ننگین نا پایدار دل بسته اید. جمعی مانند بردگان بی اراده و مقهور هستند و گروهی گرسنه و مغلوب و ستمگران به دلخواه در امور مملکت تصرف می کنند. به دنبال این بیان، حضرت می فرماید: شگفتا که سرزمین اسلام قبضه کسانی است که یا خائن و ستم کار هستند و یا باج گیر و نابکار و یا حکمران بی رحم و بی انصاف. (۹)

حضرت اباعبدالله (ع) پس از ممانعت «حربن یزید ریاحی» از حرکت ایشان به کوفه یا مراجعت به مدینه در خطابه ای فرمود: آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید؟! در حالی که مؤمن باید حق جو و طالب دیدار خداوند باشد و من مرگ را جز سعادت نمی بینم و زندگی با ستمکاران را جز ملامت و خستگی و کسالت نمی دانم. (۱۰)

مبارزه با علت فساد

سیدالشهداء(ع) با قیام جاویدان خود قلب فساد را نشانه رفت. آن حضرت لحظه ای با یزید یلید به مجالست و مصالحت نشست؛ زیرا وی غیر از

معاویه بود. یزید فردی بی شخصیت، میمون باز، شراب خوار و بی کفایت بود که برای برچیدن سفره توحید از ابتدا سفره بان آن را هدف قرار داده بود و چاره ای نبود جز آن که با پیکان مبارزه از ابتدا قلب او را نشانه رود. شهید بزرگوار آیت الله مرتضی مطهری(ره) می گوید: چنان چه دعوت کوفیان برای قیام در کار نبود و حتی اگر معاویه بیعتش را از امام حسین(ع) بر می داشت و او را به حال خود رها می کرد، امام حسین(ع) دست از یزید بر نمی داشت. (۱۱)

زنده کردن روح مقاومت اسلامی در جامعه

قیام امام حسین(ع) و یارانش احساس ضعف و وحشت مسلمانان را نسبت به بنی امیه تا حدّ زیادی از بین برد؛ به طوری که پس از شهادت آن حضرت شاهد چندین قیام در حجاز و عراق بر علیه امویان هستیم. قیام هایی که هر یک نشان گر رشد غیرت دینی جامعه اسلامی و پیام آور عزت مسلمانان می باشد.

ناگفته پیداست که مهم ترین کار کرد قیام حضرت سیدالشهداء(ع) حفظ بقای اسلام بود. بنی امیه در زمان خلافت یزید در پی ویران کردن بنیادهای دین پیامبر(ص) یعنی، توحید، نبوت، نماز، روزه و... بودند، ولی امام (ع) با حماسه خونین خویش چهره کریه بنی امیه را فاش کرد و با از بین بردن مشروعیت و مقبولیت بنی امیه، بقای اصول اعتقادات و مسلمات دین را تضمین نمود. از این رو وقتی «ابراهیم» پسر «طلحه بن عبیدالله» در شام از امام سجاد(ع) پرسید: (اگر در جنگ جلدت پیروز شد) حالا چه کسی پیروز شده است؟ امام (ع) در پاسخ او فرمود: «اذا اردت ان تعلم من غلب و دخل وقت الصلاة فاذن ثم اقم: (۱۲) اگر می خواهی بدانی چه کسی پیروز شده است، هنگام فرا رسیدن وقت نماز، ابتدا اذان بگو و سپس نماز را اقامه کن.»

این سخن نشانگر آن است که هدف نهضت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در درجه اول حفظ اسلام و استمرار شهادت به توحید و نبوت بر مأذنه های مساجد بود، زیرا اگر این مولفه های مهم از صفحه جامعه محو می شد، دیگر چیزی از اسلام باقی نمی ماند.

معرفی وزیر علوم شاید وقتی دیگر

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دولت یازدهم با آموشدهای افراد فراوانی روبه‌رو بود و به‌عنوان یک وزارتخانه پر تنش بین سایر وزارتخانه‌ها خودنمایی می‌کرد. این روند با عدم معرفی وزیر علوم در دولت دوازدهم نیز به چشم می‌خورد و باعث نگرانی بسیاری از اعضای جامعه علمی و آموزشی کشور شده است.

همه مردان روحانی در وزارت علوم دولت یازدهم پس از ریاست‌جمهوری حجت‌الاسلام حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور دولت یازدهم، جعفر میلی‌منفرد از اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در ۱۳ مردادماه سال ۹۲ به‌عنوان وزیر پیشنهادی علوم برای کسب رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی شد. وی در جلسه رأی اعتماد نمایندگان مجلس در روز ۲۴ مردادماه به‌دلایلی با ۱۶۲ رأی مخالف، ۱۰۵ رأی موافق و ۱۵ رأی ممتنع موفق به کسب رأی اعتماد نمایندگان مجلس نشد و به این شکل اولین وزیر علوم معرفی‌شده دولت از همراهی با کابینه جا ماند.

رئیس‌جمهور پس از این، جعفر توفیقی را که تصدی‌گری وزارت علوم دولت اصلاحات را نیز در کارنامه داشت به‌عنوان سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتخاب کرد و در حالی که برخی از معرفی وی به‌عنوان وزیر پیشنهادی علوم خبر می‌دادند، رضا فرجی‌دانا از اساتید دانشکده فنی دانشگاه تهران به مجلس معرفی شد و در جلسه رأی اعتماد ششم آبان ماه سال ۹۲ با ۷۰ رأی مخالف، ۱۵۹ رأی موافق و ۳۲ رأی ممتنع توانست رأی اعتماد نمایندگان مجلس را کسب کند تا به‌عنوان اولین وزیر علوم دولت روحانی لقب گیرد.

در حالی که هنوز یک سال از حضور فرجی‌دانا در وزارت علوم نگذشته بود، انتقادات به اقدامات حاشیه‌ساز وی نظیر بالا گرفت و فرجی‌دانا را که پیش از این یک کارت زرد از مجلس دریافت کرده بود به جلسه استیضاح کشاند. وی در نهایت در جلسه استیضاح ۲۹ مردادماه ۹۳ مجلس موفق به جلب رأی اعتماد مجدد نمایندگان مجلس نشد و با ۱۴۵ رأی موافق، ۱۵ رأی ممتنع و ۱۱۰ رأی مخالف از وزارت علوم خداحافظی کرد.

رئیس‌جمهور پس از این محمدعلی نجفی رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی و وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش دولت را که موفق به اخذ رأی اعتماد نمایندگان مجلس نشده بود به‌عنوان سرپرست وزارت علوم معرفی کرد.

دولت در ادامه، محمود نیلی احمدآبادی سرپرست وقت دانشگاه تهران را که هنوز ریاست وی در



دانشگاه تهران تأیید نشده بود، به‌عنوان سومین گزینه پیشنهادی برای وزارت علوم به مجلس معرفی کرد. وی در جلسه علنی ۷ آبان‌ماه سال ۹۳ مجلس با کسب ۷۹ رأی موافق و ۱۶۰ رأی مخالف نتوانست رأی اعتماد نمایندگان مجلس را کسب کند.

در حالی که مهلت قانونی دولت برای معرفی وزیر به مجلس در حال اتمام بود، رئیس‌جمهور "فخرالدین احمدی دانش‌آشتیانی" از اساتید دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی را به‌عنوان چهارمین گزینه پیشنهادی دولت برای وزارت علوم معرفی کرد، اما آشتیانی نیز با کسب ۱۷۱ رأی مخالف، ۷۰ رأی موافق و ۱۳ رأی ممتنع نمایندگان مجلس موفق به کسب رأی اعتماد مجلس نشد.

در این شرایط رئیس‌جمهور با استفاده از حکم حکومتی ضمن تمدید مهلت سرپرستی نجفی بر وزارت علوم، "محمد فرهادی" را به‌عنوان پنجمین گزینه پیشنهادی دولت معرفی کرد.

فرهادی در ۵ آذرماه سال ۹۳ از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر، با ۱۹۷ رأی موافق، ۲۸ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع توانست اعتماد نمایندگان مجلس را برای تصدی وزارت علوم کسب کند و تا پایان عمر دولت یازدهم به کار خود در این وزارتخانه ادامه داد.

با شروع به کار دولت دوازدهم گمانه‌زنی‌ها برای حضور افراد و اشخاص متعددی در این وزارتخانه مطرح شد. در این میان نام اشخاصی چون رضا فرجی‌دانا، محمود نیلی احمدآبادی، جواد اطاعت، علی‌اکبر صالحی و علی‌خاک‌صمدی شنیده می‌شد.

خاک‌صمدی که جدی‌ترین گزینه وزارت علوم بود و گمانه‌زنی‌ها از حضور احتمالی وی در لیست دولت به مجلس خبر می‌داد، به یک باره از لیست کنار گذاشته شد. مسئولان دولت علت این امر را کناره‌گیری رئیس دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی از قبول مسئولیت وزارت علوم اعلام کردند.

پس از آن همزمان با رأی اعتماد وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم، سیدضیاء هاشمی معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در ۲۹ مرداد به‌عنوان سرپرست وزارت علوم از سوی رئیس‌جمهور معرفی شد.

با وجود اینکه یکی از افراد نزدیک به دولت از بررسی پرونده ۱۰ نفر از اساتید برجسته کشور برای حضور در مسند وزارت علوم خبر می‌داد و اسامی اساتیدی چون پورمحمدی، رئیس دانشگاه تبریز، الهام امین‌زاده معاون سابق حقوقی رئیس‌جمهور، حسین سلیمی رئیس دانشگاه علامه طباطبایی و... در این زمینه مطرح بود، اما در شرایطی که هفته پایانی مهرماه نیز رو به اتمام است، هنوز خبری از معرفی گزینه نهایی وزارت علوم نیست و گمانه‌زنی‌ها هر روز فرد جدیدی را برای این مسئولیت مطرح می‌کند.

در حالی که انتقادات درباره عدم معرفی وزیر علوم از سوی نمایندگان مجلس، اساتید، دانشجویان و جامعه علمی کشور هر روز شکل جدی‌تری را به خود می‌گیرد، حسینعلی امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در جدیدترین اظهارات خود درباره عدم معرفی دو وزیر باقی‌مانده دولت دوازدهم گفته "نمایندگان مجلس به‌مدت یک هفته برای سرکشی به حوزه‌های انتخابیه خود می‌روند، بنابراین باید تا دو هفته آینده کمی صبر کنیم. سقف زمانی که قانون اساسی برای حضور سرپرست در نظر گرفته، سه ماه است و در همین فرجه قانونی آقای رئیس‌جمهور وزرای باقی‌مانده را معرفی خواهند کرد."

در این شرایط معرفی وزیر علوم در مهرماه دور از ذهن به نظر می‌رسد و طبق سخنان معاون پارلمانی برای معرفی وزیر علوم باید دو هفته دیگر منتظر ماند.

در حالی که گمانه‌زنی‌ها هر روز نام فرد جدیدی را برای مسئولیت در وزارت علوم مطرح می‌کند، باید منتظر ماند و دید در هفته‌های آینده رئیس‌جمهور نام چه کسی را به‌عنوان وزیر علوم اعلام می‌کند و چه سرنوشتی در انتظار وزارت علوم دولت دوازدهم است؟ آیا این وزارتخانه مانند دوره قبل، دورانی پرتلاطم و بی‌ثبات را تجربه می‌کند یا خیر؟

نگاهی به مشکلات جوانان



دوران جوانی از بلوغ آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه دارد. از آنجا که جوانان تلاش می کنند خود را با جامعه هماهنگ نمایند با مشکلات زیادی مواجه می شوند. البته منظور ما این نیست که سراسر ...

دوران جوانی از بلوغ آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه دارد. از آنجا که جوانان تلاش می کنند خود را با جامعه هماهنگ نمایند با مشکلات زیادی مواجه می شوند. البته منظور ما این نیست که سراسر دوران جوانی توام با ناملایمات است. این دوران می تواند دورانی آرام و موفقیت آمیز باشد. در هر صورت جوانان امروز باید تصمیمات دشواری در زندگی خود بگیرند.

در این مقاله به مشکلات اساسی جوانان و راه حل آنها اشاره می شود. شاید بتوان گفت مهمترین مشکل جوانان بیکاری است، امروزه به علت بحران جهانی و نیز استفاده از فناوری، برخی از شغل ها و حمایت ها کارآیی خود را از دست داده اند. جوانان امروز احتیاجات خاص خود را دارند و بیکاری نتیجه

ای جز سرخوردگی، نگرانی های اقتصادی و دلسردی نخواهد داشت.

ولی جوانان با این معضل چگونه روبه رو می شوند؟

از آنجا که بسیاری از جوانان از تجربه لازم برای مقابله با چنین مشکلاتی برخوردار نیستند به مواد مخدر، بی اعتنایی، خشونت، سرقت و... روی می آورند و رفتاری ضداجتماعی در پیش می گیرند.

آنها در ضمن از سوی دوستان قانون گریز خود تحت فشار قرار دارند. برای حل این معضل چه باید کرد؟

یکی از شیوه ها، حمایت مالی از جوانانی است که واجد شرایط کار کردن هستند ولی نمی توانند شغل مناسبی پیدا کنند. می توان برای این جوانان از سیستم بیمه بیکاری استفاده کرد. این روش هم اکنون در برخی از کشورها به کار گرفته می شود. از اقدامات دیگر، فراهم کردن شرایطی است که میزان بیکاری را کاهش دهد. این اقدامات شامل آموزش

مجدد جوانان و اختصاص یارانه به آنها می شود. در ضمن جوانان باید مهارت های لازم را برای یافتن کار مناسب بیاموزند.

یکی دیگر از مشکلات جوانان، رابطه پرتنش آنها با والدین شان است. جوانان از هرگونه محدودیتی می رنجند. آنها غالباً علاقه ای ندارند به تردیها و نگرانی های خود اعتراف کنند، جوانان احساس می کنند والدین آنها بیش از حد نگران هستند و این مسأله به رابطه فیما بین لطمه وارد می کند. برای حل این معضل روانشناسان بر اهمیت استقلال روانی تاکید می کنند ولی جوانان تا زمانی که بتوانند زندگی مستقلی تشکیل دهند باید از حمایت خانواده برخوردار باشند. همچنین والدین باید طریقه درست کنترل کردن جوانان را تمرین کنند، کنترلی که توام با دلسوزی و درک متقابل باشد.

مسئولان جامعه نیز باید برای حل معضلات جوانان تلاش کنند. یادمان باشد جوانان در آینده ای نزدیک هدایت جهان را برعهده خواهند داشت.

زندگی در قرن بیست و یک

گویی، قناعت پیشگی و ... ممتاز در همسر داری و رعایت حقوق دیگران بی نظیر و در جامعه عفیف، متین و شجاع بوده است می تواند الگوی خوبی برای بانوان کشور، که حقیقتاً بهترین بودن حق آنان است، و همچنین تمام بانوان آزاده دنیا باشند. لذا اگر بانوان ما حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را اسوه و الگوی زندگی خود قرار دهند و در این الگو سازی از بعد اعتقادی فراتر رفته و بعد اجتماعی زندگی آنحضرت را نیز سرمشق زندگی خود قرار دهند با کسب مکارم اخلاقی از جمله عفت، درایت، حیا، مدیریت و ... به جایگاه



قرن بیست و یک، ایستگاهی در تونل تاریخ که ارمغان آورنده ی ابعاد و دیدگاه ها و مسیر های متنوع و متداولی برای جامعه بشری زمان ما شده است، سبک های مختلفی برای زندگی ما ارائه نموده که از میان همه ی سبک ها و روش ها باید یکی را برای زندگی در عصر حاضر انتخاب نموده و زندگی خود را بر مبنای آن بنا نماییم. با این همه می دانیم زندگی ما دربر گیرنده برهه های مختلفی از جمله دوران بلوغ، دوران تحصیل، دوران ازدواج، دوران کسب و کار و ... و شامل ابعادی مانند ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و ... می باشد لذا هنگام انتخاب مسیر زندگی همه ی این موارد را درمسیر خاصی

رفیعی در جامعه دست خواهند یافت و حضور آنان در جامعه فعال تر و همراه با عفت، مدیریت، بصیرت و مصونیت خواهد بود و همچنین در رعایت حقوق دیگران کوشا و حقوق آنان نیز رعایت خواهد شد و در روابط اجتماعی آنان مساوات رعایت خواهد شد و زندگی آنان تجلی یک نمونه کامل زندگی مبتنی بر ارزش های والای انسانی و اخلاق خواهد بود.

کوروش، آریو برزن، آذر نوش و ... را نام برد. اما در میان تمامی الگو های معرفی شده برای طراحی یک زندگی فردی و اجتماعی نمونه لازم است که نگاه های نژاد پرستانه را کنار گذاشته و توجه داشته باشیم که هدف ما الگو قرار دادن فرد نیست بلکه هدف الگو قرار دادن منش و رفتار فرد برای طراحی یک زندگی دو بعدی اجتماعی می باشد و لذا منش الگوی مورد انتخاب ما باید به گونه ای باشد که در بر گیرنده هر دو بعد نامبرده و همچنین ارائه دهنده طرح هایی جامع و کامل برای تمام مراحل زندگی از جمله تحصیل و ازدواج و کسب و کار و ... بوده و در جهت رسیدن به زندگی ایده آل تعریف شده ما را کمک و یاری کند. که بیشتر این الگو ها ممکن است در یک جهت و دارای ویژگی های مشترک زیادی باشند اما آن موضوعی که برای انتخاب الگو در اینجا مد نظر قرار می گیرد کثرت فضایل و نیکی ها و کامل بودن و همه جانبه بودن سیره ی زندگی الگوی ما می باشد. بنابراین ما می توانیم با مطالعه سبک های زندگی و سیره های منصوب به الگو های مطرح شده و کنار گذاشتن تعصبات نژاد پرستانه ((در کل تعصبات نا هنجار)) الگویی را برای طراحی یک زندگی متناسب با ایده آل های مطرح شده انتخاب نماییم.

سازماندهی می کنیم. اما با توجه به این نکته که دوران زندگی محدود، راه های زندگی متنوع و فرصتی برای آزمون و خطا و وجود ندارد به این موضوع بر می خوریم که سبک صحیح و کامل زندگی کدام است و عواقب اشتباه در انتخاب سبک زندگی چیست؟

برای پاسخ به سوالات مطرح شده ابتدا لازم به ذکر است که تعریف ما از یک زندگی ایده آل و مناسب عبارت است از زندگی متکی به ارزش های انسانی و اخلاقی و در برگیرنده ابعاد مادی و معنوی در عین رعایت مساوات و در جهت رشد و تکامل ارزش های انسانی و نمود مکارم اخلاقی و حصول به اهداف مادی گریانه در چهار چوب اخلاق و ارزش ها و رعایت حقوق افراد و رسیدن به سعادت و خوشبختی می باشد.

لذا الگو های ارائه شده می بایست ما را در جهت رسیدن به این زندگی یاری کنند بنابر این با توجه به ایدئولوژی اسلامی و ایرانی متوجه این موضوع خواهیم شد که هر دو مکتب پایبندی به ارزش های انسانی و اخلاق را ستایش و ردایلی اخلاقی را نفی می کنند از جمله اینکه هر دو مکتب پایبندی به حقوق یکدیگر را سفارش و زیر پا گذاشتن آنرا نفی کرده اند و هر دو مبارزه و دفاع از ارزش ها را پسندیده و کوتاه آمدن و حقارت در مقابل دشمنان را مردود اعلام داشته اند و هر دو انسانیت را تکریم و با نژاد پرستی سر سخنانه مقابله کرده اند و بسیاری موارد دیگر از نقاط تشابه این دو مکتب می باشند. همچنین هر دوی این مکاتب الگو هایی را به ما معرفی نموده اند که سبک زندگی آنان نمود عملی ایدئولوژی های ارائه شده توسط آنان است از جمله الگو های شناخته شده در عصر حاضر می توان به پیامبر و اهل بیت ایشان از جمله حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، مالک اشتر، سلمان فارسی،

اما در میان الگو ها، سبک ها و سیره های مختلف کاملترین سبک زندگی که می تواند انسان چند بعدی و در گیر مسائل مختلف عصر حاضر را یاری کند و در بر گیرنده ابعاد و مراحل مختلف زندگی انسان باشد، پیامبر اسلام و خاندان ایشان از جمله حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه (س) می باشد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از آن جهت که در دانش و معرفت و ایمان و خدا شناسی پیشرو، و در بسیاری از مکارم اخلاقی از جمله نجابت، سخاوت، مروت، بخشش، صبر و بردباری، مهربانی، متانت، عفت و پاکدامنی، خویشن داری، وفای به عهد، صداقت و راست

قلم

صاحب امتیاز:

مجمع اسلامی دانشجویان
آزاداندیش

مدیر مسئول و سردبیر:
مریم قاسمی

گرافیکست: ایمان قربانی

همکاران این شماره:

ابراهیم محمودی
مهندس مجتبی شفیعی
محمد جواد باورساد
قاسم جنتی پور

پیامک: ۰۹۱۳۷۷۳۱۰۶۶

کانال تلگرامی: majmasku
صفحه اینستاگرام: majmasku